

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

بستر پیری

بگرفته گریبان مرا افسر پیری
از موی سپیدی زده تاجی به سر من
آرامش من ، راحت من برده بتاراج
دارد اثر تلخ به کامم شکر و شیر
بر مهر درخشان نتوان دیده گشودن
در میکه ام ره ندهد رند خرابات
ضعف تنم از پای فگنده ست وز حسرت
ای عمر ز کف رفته چه انداخته ای باز
ای درد عجب با منت آهنگ مصافست
آن شاهد گلچهره دگر رام نگردد
هر لحظه به گوشم رسد از قافله عمر
از شصت گذشتیم و شکستیم و خمیدیم
آزرده دل از ریشه دست و سر و پائیم

افگنده به سر پنجه زور آور پیری
نامیده مرا پادشه کشور پیری
فوج غم افتادگی و لشکر پیری
پستان به لبم داده مگر مادر پیری
تا جلوه گر بخت شده اختر پیری
باقامت خم گشته و لرزان سر پیری
لب می گزم از قند لب دختر پیری
چون مشت سپندم ، به دل اخگر پیری
در بستر بیماری و در سنگر پیری
تادیده مرا هم سفر و همسر پیری
این نغمه دلگیر ز رامشگر پیری
ای وای ز افسانه و افسونگر پیری
ای خاک سیه باد شود بر سر پیری

درمانده «اسیر» تو ز پرواز عجب نیست
ره یافته بر بال و پرش، شهپر پیری

(بن - المان، مارچ ۱۹۹۴ع)